

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، گروه تاریخ
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش : ایران دوره اسلامی

عنوان:

نقش تجددگرایان در استقرار حکومت پهلوی

استاد راهنما:

دکتر فیاض زاهد

استاد مشاور:

دکتر نعمت احمدی نسب

پژوهشگر :

مریم عزیزی

زمستان ۱۳۹۰

تقدیم به بهترین های زندگی:
پدر و مادر مهربانم، که وجودشان بهانه زندگی و عطر
یاس دعاهایشان اعتبار زیستن.
و تقدیم به خواهران عزیزم سمیه ، الهام ، ندا و برادر
مهربانم امیر حسین
شمایی که بهترین لحظات زندگیتان را در راه رسیدن به تکامل
و تعالی من صرف نمودید و ثانیه های عمرتان را نردبان رشد
و ترقی من قرار دادید، دستان مهربانتان را بوسیده و بر دو
دیده منت می گذارم و ایزد یکتا را به لطف داشتن عزیزانی
چون شما از عمق جان سپاسگزارم.

**کسی که راهی را با عشق می‌پیماید،
هرگز راه را تنها نپیموده است**

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قرب است و به شکر
اندرش مزید نعمت، هر نفسش که برآید بمد حیات است و چون فرو
رود مفرح ذات یگانه ایزد مهربان را سپاسگزارم فرصت آموختن
الفبای علم و انسانیت را برای ما فراهم نمود که در سایه لطف آن
یگانه بزرگوار و صاحبان حقش این موهبت گرانقدر نصیب ما شد.
اکنون که در سایه لطف و عنایت پروردگار مهربان توانستم مرحله
دیگری از تحصیلات خود را با موفقیت به اتمام برسانم، به رسم ادب
و سنت حسنه سپاس، لازم می‌دانم از تمام کسانی که در این مدت،
بنده حقیر را مورد لطف خود قرار داده اند، تشکر کرده و از خداوند
بزرگ سلامتی و موفقیت روز افزون برایشان آرزو مندم، مشخصاً از
استاد محترم راهنما، دکتر فیاض زاهد . استاد محترم مشاور، دکتر
نعمت احمدی نسب نهایت قدردانی و امتنان را دارم.
و همچنین از دوستان عزیزم حمیده ظریفیان و نفیسه نوری و لیلا
رضا کرمی و مهسا محمدی سپه‌وند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب **مریم عزیزی** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۸۵۰۳۸۴۰۰ در رشته تاریخ در تاریخ ۹۰/۱۱/۳۰ از پایان نامه خود تحت عنوان " نقش تجدد گرایان در استقرار حکومت پهلوی " با کسب نمره ۱۷/۵ و درجه بسیار خوب دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم :

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه ، کتاب ، مقاله و ...) استفاده نموده ام ، مطابق رویه های موجود ، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام .

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح ، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است .

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل ، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب ، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم ، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت .

نام و نام خانوادگی : **مریم عزیزی**
تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۳۰

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم مریم عزیزی از پایان نامه خود
دفاع نموده و با نمره ۷۱۵ بحروف ^{شریف} (ب) و با درجه
مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما



فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : کلیات تحقیق

- | | |
|---|---|
| ۲ | ۱-۱ مقدمه |
| ۳ | ۲-۱ بیان مساله |
| ۴ | ۳-۱ هدفهای تحقیق |
| ۴ | ۴-۱ اهمیت موضوع تحقیق وانگیزه انتخاب آن |
| ۴ | ۵-۱ سوالات یا فرضیه های تحقیق |
| ۵ | ۶-۱ روش تحقیق |

فصل دوم : مفهوم تجدد و سیر تجددخواهی

- | | |
|----|---|
| ۷ | ۱-۲ تجدد وترقی |
| ۹ | ۲-۲ سیر تجددخواهی |
| ۱۹ | ۳-۲ اندیشه تجدد از آغاز قاجار تا مشروطه |
| ۲۲ | ۴-۲ مشروطیت وتشکیل مجلس اول |
| ۲۳ | ۵-۲ مجلس دوم و سوم |
| ۲۴ | ۶-۲ حزب دموکرات |
| ۲۵ | ۷-۲ حزب اجتماعیون اعتدالیون |
| ۲۶ | ۸-۲ جریان اسلام گرا |

فصل سوم : کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

- | | |
|----|--|
| ۳۰ | ۱-۳ اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران مقارن با کودتا(۱۲۹۹) |
| ۳۸ | ۲-۳ نامزدهای کودتا(۱۲۹۹) |
| ۴۱ | ۳-۳ کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ |

فصل چهارم: مروری بر اقدامات عملی تجددگرایان برای استقرار سلسله پهلوی

- | | |
|----|----------------------------------|
| ۴۵ | ۱-۴ انتخابات و افتتاح مجلس چهارم |
| ۴۸ | ۲-۴ احزاب مهم مجلس چهارم |
| ۵۰ | ۳-۴ ایجاد امنیت |
| ۵۳ | ۴-۴ اصلاحات در ارتش |
| ۵۶ | ۵-۴ انتخابات و افتتاح مجلس پنجم |
| ۶۲ | ۶-۴ احزاب مهم مجلس پنجم |
| ۶۲ | ۷-۴ اصلاح طلبان |
| ۶۳ | ۸-۴ حزب تجدد |
| ۶۶ | ۹-۴ حزب کمونیست |
| ۶۷ | ۱۰-۴ جمهوری رضاخان |
| ۷۳ | ۱۱-۴ نظام اجباری |
| ۸۰ | ۱۲-۴ قانون سجل احوال |
| ۸۴ | ۱۳-۴ الغای القاب |
| ۸۵ | ۱۴-۴ اعطای فرماندهی کل قوا |
| ۸۹ | ۱۵-۴ نوسازی اقتصادی و مالی |

صفحه	عنوان
۹۲	۱۶-۴ تجارت
۹۷	۱۷-۴ سلطنت رضا خان
	فصل پنجم: بررسی نشریه های تجددگرایان
۱۰۵	۱-۵ تجددخواهی در نشریات
۱۰۹	۲-۵ کاوه
۱۱۶	۳-۵ ایرانشهر
۱۲۱	۴-۵ آینده
۱۲۶	۵-۵ نتیجه گیری
۱۲۸	فهرست منابع و مآخذ

چکیده :

تجدد گرایان گروهی از تحصیل کردگان نسبتاً جوان بودند که بسیاری از آنها از آموزش جدید به سبک غربی برخوردار بودند. این گروه روشنفکر در زمره تواناترین سیاستمداران، مدیران، نمایندگان مجلس، حقوقدانان، شعرا، ادبا و روزنامه نگاران بودند که با حمایت جدی خود از رضا خان، او را در اجرای برنامه هایش یاری نمودند. رضا خان با عنایت به وجهه ملی تجددگرایان، به همکاری آنان در جهت تقویت بینه و بنیان سیاسی- اجتماعی خود نیاز داشت. تجددگرایان نیز رضا خان را مرد عمل و مظهر اقتدار و صلابت، نظامی گری خشن، میهن دوست و عاشق اصلاحات می دیدند و با توجه به سوابقش در تأسیس ارتش مدرن، سرکوب شورش ها و استقرار امنیت می توانست آرمان های آنان را در نوسازی ایران و دولت مدرن محقق سازد. بعد از جنگ جهانی اول، ایران از نظر اقتصادی فلج و از نظر سیاسی بسیار ضعیف و ناتوان و بی ثبات بود و شورش و هرج و مرج سراسر کشور را فرا گرفته بود. در این زمان روشنفکران به طرح دو مسئله پرداختند: ۱- حکومت مرکزی مقتدر ۲- ایرانی گری (ناسیونالیسم)

تجددگرایان به دنبال ناجی برای مملکت بودند و انگلستان به دنبال منافع خود. به همین منظور انگلستان کودتای ۱۲۹۹ را در ایران اجرا کرد و رضا خان چهره نظامی کودتا شد. تجددگرایان در مجلس چهارم و پنجم با حمایت خود از برنامه های رضا خان، او را در اجرای اصلاحاتش یاری نمودند. بدین ترتیب ایجاد امنیت، اصلاحات در ارتش، نظام اجباری، قانون سجل احوال، الغای القاب، نوسازی اقتصادی و مالی و تجارت در ایران اجرا شد. روزنامه نگاران نیز در روزنامه های متعدد، عوامل مختلفی را در عقب ماندگی ایران سهیم می دانستند و راه حلهای متعددی را برای رفع این عقب ماندگی پیشنهاد می کردند. نتیجه نهایی تعامل رضاخان با این افراد تجددگرا، که رسیدن به آرمانهای نهایی او بود، راه هموار شد و رضا خان توانست فرماندهی کل قوای تأمینیه را به خود اختصاص دهد و بعد به بهانه های مختلف توانست دولت قاجار را کنار زده و خود بر تخت سلطنت بنشیند.

کلید واژه : تجدد- قاجار- پهلوی- رضاخان- مجلس-مشروطه- کودتا- حزب- اصلاحات- روزنامه

فصل اول

كليات

۱-۱ مقدمه

رضاشاه پهلوي، مردی که در تاریخ معاصر ایران نقش های مهم و زیادی را بازی نموده است، در آغاز یک میرینج ساده، در دیویزیون قزاق با روحیه ای بسیار نظامی بوده است. در کتاب های تاریخی و مقالات و تحلیل ها، عوامل زیادی را در پادشاهی این مرد ساده و گمنام ایرانی بر می شمارند. عده ای مستقیماً دست عوامل خارجی، بویژه انگلستان را در این قضیه، مهم و موثر می دانند. عده ای ویژگی های فردی رضاخان را عامل صعود و ترقی او می دانند و برخی حوادث و اتفاقات تاریخی، اوضاع سیاسی و پریشان حالی آن روز ایران را از عوامل صعود رضاخان از افسری به پادشاهی بر می شمردند. گرچه هیچ یک از عوامل بالا را نمی توان نادیده گرفت، اما احزاب و روشنفکران در به سلطنت رسیدن رضاشاه نقش مهمی داشتند که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این تجددگرایان و روشنفکران ایرانی در آن برمه حساس از تاریخ معاصر، با توجیه سلطنت رضاشاه، هدایت مردم در پذیرش آن و شکل دهی به اعمال رضاشاه، در واقع گام مهمی در تثبیت یک دیکتاتوری خشن برداشتند که بعدها خود قربانی آن شدند. رضاشاه در آغاز راه، با عنایت به وجهه ملی تجددگرایان، به همراهی و همکاری آنان در جهت تقویت بنیه و بنیان سیاسی - اجتماعی خود نیاز داشت. تجددگرایان گروهی از تحصیل کردگان نسبتاً جوان بودند که بسیاری از آنها از آموزش جدید به سبک غربی برخوردار بودند. تجددگرایان یعنی کسانی که سهم بسزایی در به تخت نشاندن رضاشاه داشتند، به هیچ رو نوکران و سرسپردگان بی هویت و سربزیر نبودند. برعکس، شماری از آنان در زمره تواناترین سیاستمداران، مدیران، نظامیان و فرماندهان عالی رتبه، نمایندگان مجلس، حقوقدانان، شعرا و ادبا و روزنامه نگاران کشور قرار داشتند. تجدد را می توان سلسله به هم پیوسته ای از تحولات اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، زیبایی ساختی، معماری، اخلاقی، شناخت شناسی و سیاسی دانست.^۱

تجدد نه تنها یک برهه تاریخی و نظام اجتماعی که در عین حال جهان بینی به هم پیوسته ای که زندگی خصوصی و عمومی انسان و جامعه سنت زده را دگرگون می کند.^۲ تجدد حرکت و جریان و جنبشی است پویا، اجتماعی و آرمان گرا که تمامیت اکنون را نمی پذیرد و برای پی افکندن آینده ای بهتر به تلاش و تکاپو می پردازد.

^۱ - میلانی، عباس، تجدد ستیزی در ایران، تهران، اختران، چاپ هفتم، ۱۳۸۷، ص ۹

^۲ - همان، ص ۱۴۶

۱-۲ بیان مساله

در ظاهر اینگونه به نظر می رسد که پیوندی ارگانیک و معنادار میان عنصر مشروطه چه از نظر تئوریک و چه از لحاظ ماهیت، شکل، محتوا و تاثیر و تاثر مشروطه با مفهوم تجدد می توان ارائه داد. بسیاری مشروطه را نتیجه و فرامد چیزی می دانند که می توان آن را میوه و محصول تجدد نامید. بسیاری مشروطه را چالش و نبرد تنازع میان سنت و مدرنیته می دانند. فارغ از اینکه ماچه داورى از این حوادث داریم نمی توانیم نسبت به جایگاه و تحلیل مفهوم یادشده بی تفاوت باشیم.

متجددان نقش مهمی در تحولات این دوره بازی می کنند. آنها در به قدرت رسیدن رضاخان تاثیر گذارند. برخی از مورخین رضاخان را نماینده جناح متجدد جامعه و عناصر مشروطه می دانند. رضاخان هر چند از منظر فرهنگی و اجتماعی به طبقه متجدد نمی ماند، اما به عنوان عنصر مورد وثوق آنها و به عنوان پیشگام تجلی بخش خواسته های این گروه در صحنه حضور می یابد. درک و تحلیل این عناصر و چگونگی روند شکل گیری این مفهوم و پیوند می تواند مساله ای عمیق و اثر گذار باشد.

در این تحقیق تلاش می شود ضمن شناخت و درک پایگاه فکری، اجتماعی و سنت های سیاسی اشان، به چگونگی به قدرت رسیدن رضاخان به عنوان نخستین شاه سلسله پهلوی دست یازید.

۱-۳ هدفهای تحقیق

- ۱- بررسی و شناخت عنصر و جایگاه طبقاتی متجددین
- ۲- تحلیل و شناخت خاستگاه سیاسی متجددین
- ۳- نقش تجددگرایان در تحولات عصر مشروطه به بعد
- ۴- بررسی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹
- ۵- تحلیل کارها و اقدامات عملی تجددگرایان برای استقرار حکومت پهلوی

۱-۴ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن

انتقال قدرت از سلسله قاجار به سلسله پهلوی حائز اهمیت است و یکی از عواملی که به این انتقال قدرت کمک کرد تجددگرایان بودند. با توجه به علاقه ای که به این موضوع داشتم و نیز اهمیتی که در حمایت این گروه روشنفکر و نوگرا از رضاخان دیدم، این موضوع را برای پژوهش بیشتر خود انتخاب کردم.

۱-۵ سوالات یا فرضیه های تحقیق

- ۱- چه تعریفی از تجددگرایان می توان ارائه داد؟
- ۲- آیا تجددگرایی نتیجه بلافصل و مطلوب انقلاب مشروطه است؟

- ۳- آیا نقش تجددگرایان در استقرار حکومت پهلوی تعیین کننده بود؟
- ۴- تجددگرایان چه مسائلی را برای پیشرفت مهم می دانستند؟
- ۱- گروهی از روشنفکران که خواستار تغییر وضعیت ، روبه بهبود ایران بودند.
- ۲- تجددگرایی از نتایج مطلوب انقلاب مشروطه می باشد.
- ۳- نقش متجددین در استقرار سلسله پهلوی حتمی، ضروری و موثر بوده است.
- ۴- تجددگرایان اصلاحات اقتصادی، سیاسی ، نظامی و عقیدتی را برای پیشرفت ایران مهم می شمردند.

۱-۶ روش تحقیق

روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، روش توصیفی و تحلیلی می باشد که با استفاده از آرشیو و اسناد و کتابخانه مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم

مفهوم تجدد و سیر تجدد خواهی

۱-۲ تجدد و ترقی

تاریخ تجدد و ترقی در ایران از دو جنبه مادی و فکری قابل مطالعه است. جنبه مادی معطوف به مطالعه مظاهر و دست آوردهای ملموس تمدن مغرب زمین است و جنبه فکری ناظر به قلمرو اندیشه است. تمدن جدید غرب خود در واقع، محصول و ثمره مقوله ای به نام «تجدد» بود که از قرن شانزدهم به بعد، در بخشی از دنیا یعنی غرب اروپا به گونه ای درون زا شکل گرفت. تجدد غربی واجد ریشه ها و دو لایه روئین و زیرین بود. ریشه های تجدد را اندیشه های فلسفی فیلسوفانی نظیر دکارت که تکاپوهای فکری شان به ظهور عقل جدید منجر شد و نگاه نوبه عالم و آدم را به ارمغان آورد، دانسته اند. پس تجدد دراصل نهضتی کاملاً فلسفی و فکری در اروپای غربی شکل گرفت و به تدریج ثمراتی را به ارمغان آورد. این ثمرات خود واجد دو لایه بود، لایه روئین (علوم تجربی، فناوری، صنعت، ترقی اقتصادی، تولید ثروت، رفاه اجتماعی و...) و لایه زیرین (خردگرایی، فردگرایی، انسان گرایی، دنیا گرایی، ملی گرایی، آزاد اندیشی، دموکراسی، سکولاریزم، حقوق بشر و حق انتخاب و...)

تجدد با این ریشه ها و لایه ها به صورت فرایندی درون زا در طی چند قرن در غرب شکل گرفت و در طول دو قرن گذشته به مهمترین و سرنوشت سازترین مساله ملل غیر غربی در آمده است. اگر امروزه در جامعه ما تمام نگاه ها به لایه زیرین تجدد است، از این جهت است که در طول یکصدسال گذشته لایه روئین تجدد کمابیش به جامعه ما راه یافته است. پس چهره عینی و بیرونی جامعه ایران تفاوت چندانی با جوامع غربی ندارد. از اینروست که فقدان لایه زیرین تجدد امروز سخت محسوس است. اما در عصر قاجار و مشروطه به جهت عمق عقب ماندگی ایران، هم و غم اصلی روشنفکران عمدتاً معطوف به هموارکردن راه برای اخذ لایه روئین تجدد بود. اگر هم گاه از ضرورت اخذ لایه زیرین تجدد سخن گفته می شد، قصد و نیت اصلی فراهم آوردن زمینه اخذ لایه روئین تجدد بود. در جامعه ای که نزدیک به صد درصد مردم فاقد سواد خواندن و نوشتن بودند، هنوز زندگی ایلی و روستایی همانند سده های پیشین وجه اصلی حیات اجتماعی بود، کشوری که در اصل هیچ نداشت، آیا جز ترقی مادی می توانست آن را از زوال حتمی نجات دهد. نطق ناظم الاسلام کرمانی در نخستین جلسه انجمن مخفی، این خواست قلبی تجدد خواهان را نشان می دهد.

«ما اهالي ايران چه تقصير کرده و چه گناهي مرتکب شدیم که بايد در نهايت ذلت و خواري و مسکن و خاکساري بوده در جزء وحشي ها و بي تربيت ها محسوب باشيم و مبتلاي هزاران دردهاي بي درمان از خارج و داخل گرديم احدي نيست که به خيال ترقي اين ملت نجيب و اصیل وضعيت افتد، حکام به رشوه و تعارف خو گرفته اند، وزراي خائن وطن عزيز رابه بهايي کم و ثمن بخسي به اجانب از هر جانب مي فروشند. روسا گرفتار اغراض شخصي مي باشند، نه کشتي و دريا داريم، نه عدليه و لنگرگاه، نه لشکر داريم نه دفتر، نه بلديه داريم نه نظيه، نه مالیه داريم نه عدليه، نه مدارس داريم نه مجالس، نه معارف نه محارب، نه فلاحت نه زراعت، نه علم عسکري نه تربيت لشکري، نه آسايش نه آرامش، نه حال نه مال، نه شب نه روز، نه رُب نه رُب، نه و نه ...^۳»

مقوله تجدد و ترقي در اندیشه تجددخواهان، عمدتاً ترقيات مادي و صوري که به تمدن جديد غرب منجر شده بود، معنا مي داد. تجدد و ترقي در سیر تکاملی جامعه بشري، امري محتوم و مقاومت در برابر آن بي معنا و ناممکن دانسته مي شد.

تجدد به عنوان امري درون زا در غرب در طی چند قرن به پيدايي فرهنگ و تمدن جديد منجر شد. در ايران تجدد به گونه اي درون زا پديد نیامد، برخورد ايران با غرب، اقتباس تجدد را ضروري ساخت.

۲-۲ سیر تجدد خواهی

نزدیک به نیم قرن تلاش تجددخواهان و اصلاح طلبان در جهت قانونخواهي و حکومت قانون، زمینه هاي فکري انقلاب مشروطه را مهيا کرد. اين جريان با پيوستن علما و عامه مردم در سال ۱۳۲۴ق حالت توده اي به خود گرفت و سرانجام منجر به صدور فرمان مشروطه در چهاردهم جمادي الثاني ۱۳۲۴ق گرديد.

صدور فرمان مشروطه موجب تکاپو و تلاش گسترده در بين افراي گرديد که قانون و نهاد قانونگذاري را يگانه راه استقرار تجدد مي دانستند. تجددخواهان در گوشه و کنار کشور دست به تشکيل اجتماعات و گروه زدند و از قانون، نحوه تدوين آن و نیز تأثیر آن در ترقي آینده ايران داد سخن دادند و هر کس به زعم خود آن را مایه نجات و فلاح ایرانیان دانست.

در عصر مشروطه، برخلاف دوره پيش، تجددخواهي جنبه جمعي به خود گرفت و به صورت جرياني اجتماعي درآمد. تجددخواهان نخست در قالب انجمن ها و سپس احزاب سياسي تشکيل يافتند و به فعاليت پرداختند. در دوره مجلس اول بيش از صد انجمن سياسي فقط در پایتخت فعاليت داشتند. ولي به دنبال بمباران مجلس در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶

^۳ ناظم الاسلام کرمانی، تاريخ بيداری ایرانیان، اميرکبير، تهران، ۱۳۶۳، بخش اول، ص ۲۴۷.

ق. انجمنها برچیده شدند و پس از گشایش مجلس دوم در اول ذی‌قعدة ۱۳۲۷ق به صورت قبل تجدد حیات نیافتند، بلکه در قالب چند حزب عمده درآمدند. یکی از مهمترین آنها حزب دموکرات (عامیون) بود که داعیه تجددخواهی داشت و آن را می‌توان دنباله منطقی تفکر تجددخواهان پیش از مشروطه دانست. به ادعای انتشارات آن حزب، حزب دموکرات به منظور حفظ آزادی و استقلال ایران و ابقای مشروطیت و انداختن کشور در شاهراه ترقی و تکامل شکل گرفت.^۴ و بر این عقیده بود که «قرن بیستم برای شرق همانست که قرن هفدهم برای ممالک غربیه بود» یعنی همان طور که قرن هفدهم دوره تجدد غرب بود، قرن بیستم نیز دوره تجدد شرق می‌باشد.^۵ و شرقیان نیز باید در جهت ورود به تمدن جدید گام بردارند زیرا آنان با تمدنی جهانگیر مواجه هستند که بالأخره دامن شرقیان را نیز خواهد گرفت.

ایران نیز که يك کشور شرقی است، نتوانست خودش را از قافله تمدنی که رو به تکامل داشت، دورنگهدارد. و هر قدر هم که تلاش کرد تا خود را از تمدن جدید دور بدارد و اصول اداره اروپایی را قبول نکند، به همان اندازه مقهور و مغلوب اجنبیان گردید و رو به اضمحلال نهاد.^۶ بنابراین ایران نیز «ناگزیر از تجدد بود و ناچار بایستی درجاتی را که تمام افراد عائله بشریت از آن گذاشته‌اند طی نموده امتحانات تاریخی خود را داده و به شاهراه کاروان بشریت افتاده» و به دیگران برسد.^۷

تلاش‌های چندین ساله متجددین که سرانجام در قالب انقلاب مشروطیت متبلور گردید، همه در این راستا بود که ایرانیان همچون «يك سالک آزاده بشریت» به طرف مدنیت جدید گام بردارند. با اینکه در سایه انقلاب مشروطیت اسارت و مغلوبیت تا حدودی از ایرانیان برداشته شد، ولی از نظر حزب دموکرات، هنوز آن مقصود اصلی که تجدد و ترقی است حاصل نگردیده است. برای پیشرفت ایران و رساندن آن به قافله تمدن باید وطن را که به حال انحطاط و اضمحلال افتاده آباد نمود و به شکلی انداخت که در میان مسابقه عالم به همراهان تندپایی که با کمال سرعت می‌روند همقدم تواند شد.^۸

حزب دموکرات ضمن سر دادن شعارهای تجددخواهانه و تأکید بر اینکه ایران را باید متجدد کرد، به وضعیت آن روز کشور و نیز موانع موجود توجه داشت. دموکرات‌ها بر این باور بودند که ایران در وضعیتی بحرانی بسر می‌برد و به درجه‌ای از زوال و

^۴ - نظامنامه موقتی حزب دموکرات، ایرج افشار، اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۵۹، ص ۴-

۳۴۳.

^۵ - همان، ص ۳۶۲.

^۶ - روزنامه ایران نو، سال دوم، شماره ۷ (۲۶ شوال ۱۳۲۸)، ص ۱.

^۷ - اوراق تازه‌یاب مشروطیت، ص ۳۶۲.

^۸ - همان.

اضمحلال گرفتار آمده است که تا به حال سابقه نداشته است. این حزب بحران موجود در ایران را ناشی از مسائل زیر می‌داند:

۱- عملکرد ضعیف احزاب و نبودن يك حزب منظم و استوار. برخلاف افراڊي که مخالف فعالیت احزاب بودند، حزب دموکرات بر این اعتقاد بود که مشکلات جامعه آن روز ایران ناشی از مبارزات احزاب و فرقه‌ها نبود، بلکه از ضعف آنها برمی‌خاست که نمی‌توانستند از پس متنفذین و طرفداران نظام گذشته برآیند.

۲- موجود نبودن «قوه حاکمه فعاله و متفکره» ای در مملکت که بتواند آن را با کمال اقتدار اداره بکند.

۳- حضور نداشتن اکثریت پارلمانی ثابت و همفکر در مجلس که بتواند از برافتادن کابینه‌ها جلوگیری کرده و آنها را به اصلاحات فوری و پی‌درپی وادار سازد.^۹

۴- «موجود نبودن آلات و ادوات لازمه و زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی گذر از نظام کهنه یعنی فئودالیسم به نظام جدید یعنی کاپیتالیسم و سرسختی و مقاومت ملوک‌الطوایفی در مقابل این تحول.

۵- حضور دول استعماری در ایران و مخالفت آنها با هر نوع اصلاحات ریشه‌ای.^{۱۰} با توجه به وضعیت بحرانی که ایران در آن به سر می‌برد تکلیف چه بود و چه می‌شد؟ «امروز تکلیف ما آن است که ویرانه‌سراهای ماضی را تسطیح کرده و يك ایران جدید ایجاد نماییم».^{۱۱}

اما ایران جدید را چگونه می‌توان بنا نهاد و راه برون‌رفت از انحطاط و زوال حاکم چیست؟ جهت رهائی ایران از وضعیت بحرانی و آماده ساختن زمینه‌های تجدد و ترقی، مجموعه راه‌هایی در مرانامه‌ها و روزنامه‌های حزب دموکرات ارائه شده است که به طور اختصار به آنها اشاره می‌گردد:

۱- تشکیل يك حکومت قانونی و مقتدر

۲- جمع‌آوری ارباب معارف و وطن‌پرست در دایره يك فرقه سیاسی تا اتحاد مسلک و توحید حرکت داشته و «برای حفظ آزادی و استقلال مملکت و ابقای مشروطیت» اصول اداره آن را به روی چنان بنای محکمی بگذرانند که در راه ترقی و تکامل به قدر امکان از مشکلات مختلفه عدیده آزاد بوده و به شاهراه قافله بشریت افتاده بلامانع برود.^{۱۲}»

^۹- روزنامه ایران نو، سال دوم، شماره ۵ (۲۳ شوال ۱۳۲۸)، ص ۱.

^{۱۰}- اوراق تازه‌یاب مشروطیت، ص ۳۶۳.

^{۱۱}- روزنامه ایران نو، سال دوم، شماره ۵ (۲۳ شوال ۱۳۲۸)، ص ۱.

^{۱۲}- اوراق تازه‌یاب مشروطیت، ص ۳۶۳.

۳- بیدار کردن «حسیات وطن پرستانه و حب ملیت و ایرانیت» در عامه مردم و خاطرنشان کردن این امر که «بدون این احساسات امید ترقی برای هیچ ملت و قومی نیست»^{۱۳}

۴- تر و بیخ افکار دموکراتیزم و آگاه کردن مردم. بدون آنکه فکری در دماغ مردم تولید گردد، کاری از پیش نمی‌توان برد.

۵- باید در اصلاحات مملکتی اصل‌الاهم فی‌الاهم را رعایت کرد و در اولین فرصت در تشکیل قوه نظامی، اصلاح مالیه، مرکزیت، اقدارات دولتی و اخراج قشون اجنبی تلاش ورزید، «چه اگر این مهمات مملکتی که مایه فلاح و رستگاری ملت است حاصل نگردد دیگر به هیچ اصلاحی موفق نشده و دائماً در تضییقات اجانب بوده و استقلال‌مان در تزلزل و خطر خواهد بود»^{۱۴}.

۶- تعلیم مجانی و اجباری برای همه افراد ملت.

۷- نظام اجباری و تشکیل قوه نظامی جدید

۸- تفکیک کامل قوه سیاسی از روحانیه^{۱۵}

۹- علاوه بر راه‌های مذکور که به نظر حزب دموکرات اعمال آنها زمینه را برای تجدد و ترقی ایران آماده می‌ساخت و کشور را وارد مدنیت جدید می‌کرد، یگانه راه چاره، در اخذ تمدن جدید بود: «یگانه چاره ما در آن است که اصول اروپایی را خود بخود قبول کنیم تا اینکه بتوانیم در مقابل اروپا بایستیم و الامضمحل خواهیم شد. در این امر باید از ژاپونیا درس عبرت گرفت. روزنامه ایران نو به ایرانیان توصیه می‌کرد که از علوم و فنون فرنگیان و آمیزش با آنها نباید بترسند. چون علوم و فنون مختص به دینی خاص نیست و ملک اختصاصی هیچ ملتی نباشد بلکه مانند فیوضات خود علوم، تعلق به همه اولاد بشر دارد»^{۱۶}.

۱۰- اما چگونه می‌توان اصول تمدن جدید را اخذ کرد و براساس آن ایرانی جدید و نو بنا نهاد؟ حزب دموکرات بر این باور است که جهت انجام این مهم باید متوسل به مستشاران خارجی شد و از وجود آنها استفاده کرد: «برای تجدید احوال اداری وطن و به طرز اروپا در آوردن مملکت خودمان مطلقاً به مستشاران ماهر و باتجربه خارجی محتاج هستیم.» انجام اصلاحات منوط به حضور مستشاران خارجی می‌باشد. اگر ایرانیان تا به حال مستشاران خارجی را جهت اصلاح امور دعوت کرده بودند به ترقیات زیادی نائل می‌شدند.^{۱۷}

^{۱۳} - روزنامه ایران نو، سال دوم، شماره ۳ (۲۱ شوال ۱۳۲۸)، ص ۳.

^{۱۴} - روزنامه ایران نو، سال دوم، شماره ۲۶/۷ (۲۱ شوال ۱۳۲۸)، ص ۲.

^{۱۵} - اوراق تازه یاب مشروطیت، ص ۳۶۵.

^{۱۶} - روزنامه ایران نو، سال دوم، شماره ۷، (۲۶ شوال ۱۳۲۸) ص ۱.

^{۱۷} - روزنامه ایران نو، سال دوم، شماره ۳۶، ذی‌قعدة ۱۳۲۸، ص ۱.

دو مسأله در آنچه که در بالا در مورد افکار حزب دموکرات آوردیم، مشاهده می‌گردد که تأثیر زیادی در اندیشه تجددخواهی از ۱۲۹۹ به بعد گذاشت. یکی نخبه‌گرایی است که حزب دموکرات آن را به صورت اجتماع ارباب معارف مطرح می‌کند که باید اصلاحات را به دست گرفته و ایران را متجدد سازد. منتهی این نکته در افکار این حزب هنوز کم رنگ بود و در کنار این تفکر به آگاه‌سازی مردم و جایگاه ویژه آنها در تجدد تأکید دارد. دیگری تأکید بر حکومت مقتدر می‌باشد که باید با استفاده از قدرت قانونی خود اصلاحات را شروع کند. از مجلس دوم به بعد، به دلیل روی کار آمدن دولتهای ضعیف، مقاومت ساختارهای کهن، هرج و مرج داخلی و نیز تاخت و تاز بیگانگان، لزوم ایجاد حکومت مقتدر بیشتر از پیش مطرح گردید که در حال و هوای تجددخواهی بعد از کودتای ۱۲۹۹ شکل تجدد آمرانه را به خود گرفت.

با اینکه گروه‌ها و احزابی مانند حزب دموکرات اندیشه متجدد کردن ایران را در سر داشتند، ولی وضعیت بحرانی حاکم بر ایران و دخالتهای استقلال‌شکنانه روسیه و انگلیس، به آنها اجازه فعالیت مستمر نمی‌داد و کوشش آنها را متوقف می‌ساخت. گروه‌های تجدد خواه عمدتاً با گشایش مجلس شورای ملی به جنب و جوش می‌آمدند و با بسته شدن مجلس از حرکت باز می‌ایستادند. اگر به این مسأله نیز دقت داشته باشیم که از زمان صدور فرمان مشروطه در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق تا زمان گشایش مجلس چهارم در ۱۵ شوال ۱۳۳۹ ق (۱۳۰۰ ق) یعنی در فاصله پانزده سال، مجلس قانونگذاری در مجموع فقط پنج سال اجازه فعالیت یافت، آن وقت کوتاهی دوره فعالیت تجدد خواهان عصر مشروطیت بر ما روشن خواهد گردید. اگر به این امر نیز توجه داشته باشیم که از فردای روز صدور فرمان مشروطه، نیروهای مخالف تجدد خواهی و نیز وابستگان به نظام گذشته در مقابل تجدد خواهان صف‌آرایی کردند و مانع استقرار نظام مشروطه گردیدند، در این صورت پی به موانع موجود بر سر راه تجدد خواهی، خواهیم برد.

انقلاب مشروطیت که نخستین پیروزی عملی تجدد خواهان بود به صحنه برخورد طرفداران سنت و تجدد تبدیل گردید. کشمکش و جدال بین طرفداران نظام گذشته و نظام مشروطه و دخالت دولتهای استعماری به نفع هواخواهان نظام گذشته، مانع از تعمیق و نهادینه شدن نظام مشروطه و مؤسسات مربوط به آن گشت و سرانجام باعث تعطیل آن گردید.

هر چند که کشمکش و جدال فکری بین طرفداران و مخالفان نظام مشروطه باعث پدید آمدن نوشته‌ها و آثاری چند گردید ولی تجددخواهی این دوره به دلیل افتادن در ورطه برخوردی‌های شبه حزبی و شبه ایدئولوژیک در مقایسه با دوره قبل از مشروطه، از غنا و عمق چندانی برخوردار نگشت. نیروی تجددخواهان بیشتر صرف مبارزه سیاسی با مخالفان گردید تا چالشهای فکری و اندیشه‌ای.